

ده ها هزار کودک بی سرپرست در افغانستان نتیجه جنایات سبعانه امپریالیستها و مزدوران داخلی آنها طی سه و نیم دهه اخیر است.

سایت فارسی بی بی سی بتاریخ 8-12-2012 زیر عنوان "وضعیت کودکان خیابانی دروبلاگهای افغان" مطالبی را دربرنامه تلویزیونی "نوبت شما" از چند وبلاگ نقل کرده است که مطلب مندرج دروبلاگ "سلام مهاجر" توجه ام را جلب نمود. سلام مهاجر چنین می نویسد: "یک دختر بچه تقریباً ده ساله که نمی دانم تاجک بود یا افغان (پشتون)، شروع به پاک کردن شیشه تاکسی که من در آن سواری بودم کرد." "موتروان" (راننده) بی انصاف چیزی که نداد هیچ، باعصبانیت گفت: برو آن طرف جلودید مرا بگیر.... او را از خود دور کرد. من دستم را در جیبم کردم، چیزی بردم بخور نبود، به آن دخترک دادم، ولی خاطره دولت کارمل و نجیب بیادم آمد، مرستون و یتیم خانه ای که در آن دوران بود، که کودکان فقیر و بی سرپرست را جمع آوری می کردند، در پرورشگاه موسوم به "مرستون" واقع در افشارسیلو که ما بچه های دارای سرپرست فقیر به کیفیت و کمیت امکانات خوب که در اختیار آنها قرار داشت، غبطه می خوردیم! چون کودکان و نوجوانان "مرستون" (پرورشگاه) هم مکتب داشتند و هم لباس های شیک خوب و هم غذای با کیفیت و فراوان در دسترس شان بود لذا نتوانستم احساس خود را مخفی نگه بیدارم (نگهدارم)، خطاب به راننده گفتم "زمان حکومت ببرک کارمل، این بچه های بی سرپرست و فقیر را در مرستون جمع می کردند، اما سران بی سر دولت اسلامی کنونی ما، با بالا کشیدن حق حقوق این مظلومان، به جیب و ثروت اندوزی خود می اندیشند و بس....".

اولاً: امید می رود که آقای "سلام مهاجر" به این دیدگاه اش که می گوید "نمی دانم آن دخترک تاجک بود و یا افغان (پشتون)" تجدید نظر نموده و با دید روشن و وسعت نظریه این مسئله نگاه کند؛ زیرا آن دختر بچه بیش از همه یک انسان است و شخصیت و شرافت انسانی او بالا تر از تعلق ملیتی اوست. ثانیاً: آقای "سلام مهاجر" خاطرات دوران حکومت جنایتکاران و جلادان مزدور، ببرک "کارمل" و "نجیب" را بیاد می آورده و می گوید: "در دوران کارمل و نجیب در "مرسون" (پرورشگاه) کابل کودکان بی سرپرست را جمع آوری می کردند و با شرایط و امکانات زندگی و تحصیل مناسب از آنها نگهداری می کردند. آقای "سلام مهاجر" باید آوری این خاطره در حقیقت به گوشه ای از تاریخ خونبار این کشور اشاره دارد، یعنی دوران حکومت باند جنایتکار و مزدور خلقی پرچمی ها که بیش از یک و نیم میلیون از مردم ما را کشتند، ده ها هزار تن از آزادی خواهان و افراد مترقی را در زندانها شکنجه کردند و یا به جوخه های اعدام سپردند، این وحشیهای خود فروخته صدها تن کودک و نوجوان را به جرم آزادی خواهی زندانی، شکنجه و یا اعدام کردند، بیش از شش میلیون نفر را مجبور بفرار از کشور نمودند، حدود یک و نیم میلیون تن را معیوب و معلول ساختند و صدها هزار زن بیوه و طفل یتیم و بی سرپرست میراث شوم دوران وحشت و ادمبار رژیم مزدوران سوسیال امپریالیسم روسی اند. همین کودکان بی سرپرستی که در "پرورشگاه وطن" تحت مراقبت قرار گرفته بودند، اکثریت آنها اطفال بی سرپرستی بودند که پدران شان در راه دفاع از رژیم وحشت و جنایت ترکی امین و ببرک نجیب کشته شده بودند و پدران تعدادی دیگر هم توسط همین باند جنایتکار مزدور و بداران روسی شان مظلومانه بقتل رسیده بودند. همچنین رژیم مزدور چندین هزاران تن از اطفال یتیمی را که پدران شان از اعضا و هواداران حزب "دموکراتیک خلق" بوده اند برای "تحصیل" (مغزشویی) به کشور ترکیه گاه اصلی شان، اتحاد شوروی سوسیال امپریالیستی فرستادند که بعد از فروپاشی نظام سوسیال امپریالیستی اکثریت آنها به سرنوشت فاجعه باری گرفتار آمدند و صدها تن آنها شکارباندهای تبهکار روسی و افغانی شده و به منجلابهای دزدی، تن فروشی و کار در شبکه های مواد مخدر کشانده شدند که برخی از آنها توسط پولیس امپریالیسم فدراسیون روسیه گرفتار و زندانی شده اند. و حکومت "عظوفت و عدل اسلامی" گروه های جهادی هم کوچکترین توجهی به وضعیت این اطفال و نوجوانان در فدراسیون روسیه نکرد. همچنین ده

ها هزار کودکی که به اثر بمب باران طیارات و توپخانه سنگین ارتش روسی ورژیم مزدور بقتل رسیدند و یا معیوب شدند؛ صدها هزار کودک آواره در پاکستان و ایران در شرایط فقر و گرسنگی، مریضی و بی تعلیمی و شرایط گرما و سرمای طاقت فرسا در کمپهای پاکستان گرفتار بودند و ده ها هزارشان از شدت فقر مجبور به انجام کارهای شاقه (خشمالی و کار در مزارع) با والدین شان شدند و هزاران تن دیگر توسط گروه های اسلامی افغانستان و پاکستان شکار شده و در مدرسه های شبانه روزی مغزشوئی شدند که در سالهای بعد همین کودکان که به جوانی رسیده بودند بخش بزرگی از ارتش طالبان را تشکیل دادند و همین افرادی که امروز در جهت منافع و مقاصد پلید گروه طالبان، حقانی و گلب الدین و زمامداران جنایتکار پاکستان در عملیاتی انتحاری بدن آنها تکه و پارچه می شود تعداد زیادی از آنها از جمله همان کودکان فراری از کشور در دوران رژیم ببرک و نجیب مزدور ورژیم های ما بعد آنها هستند که در فرجام دچار چنین سرنوشت ظلمتبار و وحشتناکی شده اند. آقای "سلام مهاجر" توجه نماید که مسئول اصلی و اولی این همه جنایات، ستم و تعدی علیه ملیونها کودک کشور همین رژیم باندهای خلقی پرچمی بودند و بعد برادران جهادی و طالبی آنها و نیز طی یازده سال اخیر که امپریالیستهای امریکائی و اروپائی کشور را به اشغال نظامی نموده و زیر تسلط استعماری شان در آوردند و دولت دست نشانده مزدور بریاست کرزی را بر مردم تحمیل کردند؛ این مسئولیت را بدوش دارند. آقای "سلام مهاجر" من حیث خاطره فقط از بلاکهای "مرستون" در منطقه افشار ("پرورشگاه وطن") یادآوری می کند که اطفال بی سرپرست در آنها نگهداری می شدند؛ لیکن درباره عاملین اصلی بی سرپرستی و سرنوشت غم انگیز و فاجعه بار این کودکان و صدها هزار کودک یتیم و بی سرپرست دیگر در داخل کشور و میلیونها کودک آواره در دوران حکومت همین باندهای جنایتکار خلقی پرچمی رانانیده می گیرد و می خواهد سیمای "انسانی" از رژیم ببرک و نجیب ترسیم نماید و بدین وسیله نسلهای جوان کنونی را اغوا کند. در حالیکه هر صفحه تاریخ سیاه دوران حکمرانی باندهای مزدور خلقی پرچمی، جهادی و طالبی و امپریالیستهای حامی آنها حکایت از سفاکی و جنایت آنها علیه خلق ما خاصاً کودکان این کشور طی سه و نیم دهه اخیر دارد. و دستهای این جنایتکاران مزدور تا مرفق به خون خلق ما آلوده است. و حکایت هزاران داستان غم انگیز و فاجعه بار از سرنوشت تیره و تار کودکان، جوانان و بزرگسالان این کشور هنوز ناگفته مانده است. باندهای جنایتکار و مزدور خلقی پرچمی و بداران روسی شان، گروه های جهادی و طالبی و بداران خارجی آنها مسئولیت مستقیم این همه جنایات را علیه توده های خلق کشور خاصاً میلیونها کودک بی سرپرست و با سرپرست فقیر و گرسنه که به انواع امراض جسمی و روانی گرفتار هستند، طی سی و چهار سال اخیر بدوش دارند.

به همین ترتیب عدم توجه به مسئله کودکان یتیم و بی سرپرست فقیر و گرسنه، کودکان "خیابانی" و تداوم کشتار خلق ما منجمله کودکان طی یازده سال اخیر از جانب امپریالیستهای اشغالگر و دولت مزدور کرزی یکی از جمله ده ها جنایت و خیانتی است که علیه خلق ما انجام داده می دهند. همین اکنون دوسوم مردم ما در شرایط فقر و گرسنگی و وحشتناکی بسر می برند و از کمترین امکانات رفاهی و سرپناه و آب آشامیدنی صحتی و دوا و درمان محروم هستند؛ طبق آمار صدها هزار کودک بر اثر مجبوریت مشغول کارهای شاقه هستند و حدود 40 درصد آنها در مزارع خشخاش کاری کنند؛ تنها در شهر کابل حدود (60) هزار کودک مجبور به کارهای بالاتر از توان شان هستند؛ در هر یک از ولایات و ولسوالیهای کشور به تناسب نفوس هزاران کودک "خیابانی" وجود دارد که بخشی از آنها دست به گدائی دراز کرده اند؛ از ده ها نفری که ماهانه با اثر انفجار مینهای که توسط رژیم مزدور خلقی پرچمی ها و بداران روسی آنها در خاک کشور تعبیه شده اند، جان می دهند؛ حدود (50) درصد آنها را کودکان تشکیل می دهد و ده ها تن دیگر آنها نیز معلول می شوند. با تمام سروصداهای که امپریالیستهای امریکائی و اروپائی و دیگر کشورها درباره "کمک" های چند ده میلیاردی آنها برای مردم افغانستان براه انداخته اند و به این طریق تسلط نظامی خود را در افغانستان و منطقه "توجیه" می کنند؛ هنوز پنج میلیون کودک که بیش از چهل درصد کودکان کشور را تشکیل می دهد از رفتن به مکتب محروم اند؛ و ده ها هزار کودک هنوز تنها نان آوران خانواده های شان هستند؛ در همه شهرهای بزرگ و کوچک کشور هزاران کودک با فامیلهای شان با نان گدائی زنده اند؛ طی سی و چهار سال اخیر دوران حکومت های مزدور امپریالیستها و دولتهای ارتجاعی

خارجی ده ها هزار خانواده در کشور فروپاشیدند؛ سالانه هزاران کودک بی سرپرست توسط باندهای آدم ربا اختطاف شده و به کشورهای پاکستان، عربستان سعودی، ایران و سایر کشورهای خلیج به فروش رسیده اند و یا مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته اند؛ سالانه هزاران کودک "خیابانی" توسط باندهای مافیائی مجبور به حمل و نقل مواد مخدر شده و بعد توسط رژیم مزدورگرزی دستگیر و زندانی می شوند؛ و نیز هزاران کودک " بجرم" دزدی اشیاء کم بهاء در زندانها در شرایط اسف انگیزی بسر می برند و هزاران کودک به انواع مواد مخدر معتاد شده اند. لیکن از جمله ده ها هزار کودک بی سرپرست و کودکان " خیابانی" فقط چند هزار آنها در مراکز خصوصی و دولتی تحت مراقبت و حمایت قرار گرفته اند. وسخنگوی وزارت کار و امور اجتماعی دولت مزدور تعداد مراکز پرورش کودکان خیابانی را هشتاد مرکز ذکر می کند.

مسائل فوق گوشه از وضعیت اندوهبار و دردناک اطفال کشوری سی و چهار سال اخیر است. رژیم دست نشانده و بداران امپریالیست آن و تمام باندهای جانی و مافیائی به کشتار و شکنجه خلق ما مشغول اند و بیشترین وجهی توده های خلق کشور منجمله کودکان را مورد استثمار و ستم قرار می دهند. روزانه چندین تن از کودکان کشور با ترمبم باران طیارات امریکائی و ناتو و گروه های طالبان و حقانی و گلب الدین بقتل می رسند و یا معلول می شوند و حقوق انسانی مردم ما خلاصتاً کودکان کشور در همه عرصه ها توسط رژیم دست نشانده و ارتشهای اشغالگرو باندهای خارج دولت پایمال شده و انواع خشونت و ستم بر کودکان و زنان کشور اعمال می کنند. البته ارزیابی این موضوع که جنگهای تجاوزکارانه و تحمیلی بر خلق کشور ما از جانب دولت سوسیال امپریالیسم شوروی، جنگهای ارتجاعی و خانمانسوز بین گروه های جهادی و طالبان و تجاوز نظامی یازده سال اخیر امپریالیسم امریکا و ناتو و دوام جنگ ارتجاعی و غارتگرانه بین امپریالیستهای اشغالگرو دولت مزدورگرزی و گروه های مزدور طالبان، گلب الدین و حقانی چه نوع صدمات دماغی و روانی جبران ناپذیری را بر خلق کشور علی الخصوص بر میلیونها کودک و نوجوان کشور بجا گذاشته است، بحث مفصل جداگانه ضرورت دارد. در حالیکه اکثریت همین باندهای جنایتکار حاکم بر خلق و کشور کودکان خود را به کشورهای پاکستان، ایران، کشورهای حوزه خلیج فارس و یا اروپا، امریکا و کانادا فرستاده اند و با ناز و نعمت زندگی و تحصیل می کنند و خود این جانیان از خون و عرق این خلق و غارت ثروتهای کشور، قاچاق مواد مخدر، رشوه و دزدی برای تضمین آینده فرزندان شان در بانکهای خارج ارز ذخیره می کنند؛ ولی کوچکترین توجهی به کودکان این کشور بلاکشیده ندارند که البته هیچ گونه توقعی از این جانیان وحشی و مزدور نمی رود؛ زیرا خود اینها عاملین اصلی این جنایات اند. و با ادامه همین شرایط حاکم بر خلق و کشور؛ وضعیت فاجعه بار و غم انگیز کودکان و بزرگسالان این کشور هم ادامه خواهد یافت. فقط با بیداری توده های خلق و برپائی یک مبارزه مسلحانه مترقی تحت رهبری نیروهای واقعا انقلابی مردمی است که خلق ما می توانند سلطه شوم و سیاه استعماری امپریالیستهای امریکائی و اروپائی و حاکمیت دولت مزدور آنها و کلاً سلطه ای فئودالیزم، کمپرادوریزم و امپریالیسم را از کشور براندازند و بر ویرانه های آن دولت دموکراتیک خلق را بنا کنند.

13 دسمبر 2012

(پولاد)